

جان لاک در اصل، بنیانگذار نظری جامعه‌مدنی است. از نظر او ورود به دوران مدرن توجه به عقل‌گرایی و انسان‌محوری و ظهور مؤلفه‌های جدید در جامعه و روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بین افراد موجد جامعه‌مدنی است. جامعه‌مدنی امروزه اصطلاحی است در مقابل دولت که به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکلهای خصوصی را در بر می‌گیرد. در جامعه‌مدنی مالکیت، آزادی، امنیت حیات و حقوق خانواده از جمله مسائل خصوصی افراد است که مورد توجه قرار می‌گیرد. جامعه‌مدنی هدفی جز حفاظت از حقوق و آزادیهای فردی در چارچوب قانون ندارد و منظور از حکومت قانون، تضمین استقلال و اراده‌آزاد انسان از تحمیل اراده‌های دیگران است.

بررسی نقش زنان در جامعه‌مدنی

زنان در پی‌ریزی جامعه‌مدنی نقشی مهم و اساسی داشته‌اند. در اینجا این پرسش پیش می‌آید که زنان از چه زمانی توانستند وارد جامعه‌سیاسی شوند و به حقوق مدنی خود دست یابند؟ ریشه‌های همیاری زنان را در تحقق مدنیت می‌توان در آغاز به‌صورت تلاشهای فردی و پراکنده و در پی آن به‌صورت فعالیتهای مشترک و سازمان یافته جستجو کرد.

جنبشهای سیاسی و اجتماعی زنان به قرن ۱۸ میلادی بازمی‌گردد که آغاز فلسفه‌روشنگری به حساب می‌آید که شکل‌گیری دموکراسی سیاسی از شاخصه‌های آن است.

تاریخ گواه آن است که در انقلابهای اجتماعی بزرگی که در جهان رخ داده است زنان نقش فعالی ایفا نموده‌اند و ملی متأسفانه نقش آنان همیشه حاشیه‌ای پنداشته می‌شده است. المپ دوگورژه فرانسوی در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه حقوق زن و شهروند چین می‌گوید: «همچنان که زنان حق دارند بالای چوبه‌دار بروند به همان سان حق دارند بالای سکوی خطابه بروند.»

مری وولستونکرافت اولین کسی است که به سود برابری زن و مرد استدلال می‌کند. او می‌گوید: «زنان موجوداتی کاملاً عقلانی هستند و

امروزه، مباحثی چون دولت و جامعه‌مدنی از مشغولیت‌های فکری صاحبان اندیشه به‌شمار می‌آید و گروهی از اندیشمندان را به این فکر واداشته که زنان چه نقشی در ایجاد جامعه‌مدنی داشته‌اند. آیا نقش اساسی داشته‌اند یا حاشیه‌ای؟ یا اصلاً نقشی در این مهم نداشته‌اند؟ برای پاسخ به این پرسشها باید نخست پیشینه تاریخی جامعه‌مدنی را بررسی کنیم و سپس، نگرشی بسیار کوتاه به بعضی از جوامع مختلف در این رابطه داشته باشیم.

مفهوم‌شناسی جامعه‌مدنی و پیشینه آن

بعضی از صاحب‌نظران معتقدند انسان در مسیر زندگی خویش از دو جامعه گذر کرده است:

جامعه نخست، جامعه‌ای ساده یا طبیعی بوده که در آن حاکمیت و قانونی وجود نداشته بلکه روابط و مناسبات اجتماعی مبتنی بر احترام و علائق مشترک و حفظ سنتها بوده و در زمینه روابط اقتصادی اصل مبادله پایاپای حاکم بوده است.

جامعه دوم، حد واسط بین جامعه طبیعی و جامعه مدنی است و برای انتقال از جامعه طبیعی به جامعه سیاسی باید از مرحله قرار داد اجتماعی گذر کرد.

افلاطون نخستین فیلسوف سیاسی بود که در کتاب خود جمهوریت، اولین جامعه‌مدنی را تحت عنوان مدینه فاضله ترسیم کرد و در مدینه خود به دنبال ارتقاء سطح ارزشهای انسانی بود.

ارسطو جامعه‌مدنی را جامعه‌ای قانونمند و شهروندان آن را صاحب اراده مستقل و در سرنوشت سیاسی خود شریک می‌دانست. جامعه مدنی تا پایان قرون وسطی، قانون‌مدون به شکل امروزی نداشته اما در عین حال فاقد قانون نیز نبوده است.

مفهوم جامعه‌مدنی نخستین بار در ادبیات سیاسی رُم باستان به چشم می‌خورد. سیسرون خطیب مشهور، جامعه‌مدنی را برای توصیف دولت شهر به کار برده است. به نظر او جامعه مدنی جمعیتی است که به شکل سیاسی و حقوقی نظام یافته است. او جامعه‌مدنی را به معنای انجمن عمومی متشکل از افراد یعنی دولت‌شهر می‌داند.

بررسی مقایسه‌ای

مشارکت زنان

در امور مدنی -

سیاسی کشورهای

مختلف

دکتر پریچهر شاهسون

ویرایش از بخش پژوهش و

ترجمه ماهنامه

مبارزات زنان در مصر ابتدا با تلاش اصلاح طلبان دینی آغاز شد. از قاسم امین غالباً به عنوان پدر نهضت آزادی زنان در جهان عرب یاد می کنند. کتابهای او تحت عناوین *تحریر المرأة* (آزادی زنان) در سال ۱۸۹۹ و *المرأة الجديدة* (زن نوین) در سال ۱۹۰۰ به چاپ رسید. او استدلالهای خود را بر مبنای قرآن و اصول دینی و تفسیری لیبرالی از مذهب قرار داد. پس از آن نهادهای دیگری تحت عناوین زیر در مصر تشکیل گردید:

- جامعه پیشرفت زنان در ۱۹۰۸ بنا نهاده شد که خط مشی اسلامی و محافظه کارانه داشت؛
- انجمن معنوی زنان مصری ۱۹۱۴؛
- مالک هفتی نساف در سال ۱۹۱۱ يك طرح ده ماده ای برای بهبود وضع زنان به کنگره مصر ارائه کرد و در مارس ۱۹۱۳ اتحادیه فرهنگی زنان را ایجاد نمود؛

- جامعه زنان نوین در ۱۹۱۹ به وجود آمد؛
- جامعه تجدید زنان مصری و جامعه مادران آینده در سال ۱۹۲۱ تشکیل گردید؛
- هدی شروی (۱۸۷۹-۱۹۴۷) اتحادیه طرفداران آزادی زنان مصری را در ۱۶ مارس ۱۹۲۳ و اتحادیه بین المللی زنان را در ماه مه ۱۹۲۳ تشکیل داد.

بطور کلی زنان مصری عمدتاً در نهادهای سیاسی عضو می شوند تا بتوانند راهی برای بیان روشن و عقلایی حقوق خود در چارچوب فرهنگ بومی - محلی - اسلامی بیابند.

سوریه

جنبشهای آزادی زنان در کشور سوریه در اواخر دهه ۱۹۶۰ با رژیم بعث که دارای ریشه ناسیونالیستی و سوسیالیستی بود، شروع شد. زنان سوریه به حقوق مدنی دست یافتند و در تمام شئون اجتماعی توانستند مشغول به کار شوند. در سال ۱۹۶۷ دکتر نجاج العطار به عنوان وزیر فرهنگ در دولت حافظ اسد برگزیده شد. در سال ۱۹۹۴، ۲۴ کرسی نمایندگی به زنان اختصاص یافت و ۷ درصد از مشاغل وزارتی به زنان تعلق گرفت. با توجه به آمارهای مشارکت سیاسی، زنان سوریه در قوه مجریه در سطح بالاتری قرار دارند. ۳۳ درصد کرسی های کنفرانس اسلامی به زنان سوریه تعلق

تفاوتهای موجود میان مرد و زن ثمره فرهنگ و جامعه، و نه ذات و طبیعت آنهاست. شیئی انگاری جنسیت همان قدر به مردان لطمه می زند که به زنان. ابتکار او در ارائه راه حل های عملی مانند دسترسی مساوی و همگانی دختران و پسران به آموزش و پرورش به منظور ارتقاء جایگاه زنان در جامعه و افزایش مشارکت آنان بود.

در جنبشهایی که در ایالات متحده در جهت الغای بردگی شکل گرفت شرکت فعال زنان دیده می شد که در مرحله بعد به جنبش سیاسی تبدیل گردید. عقاید دینی و مذهبی زنان در این مبارزات محور اصلی بوده است. در بیانیه استقلال آمریکا، درخواست احقاق حقوق کامل و مساوی سیاسی و اقتصادی، اجتماعی برای همگان مطرح شد. این بیانیه سند بنیان گذاری جنبش تشکّل زنان است. در نیمه اول قرن ۱۹ سن سیمون و فوریه (از منادیان سوسیالیسم) از حامیان حقوق زنان بودند. در نیمه دوم قرن ۱۹ تقاضای برابری اجتماعی و سیاسی برای زنان مطرح شد و تا اواخر قرن ۱۹، زنان توانستند در سطح ملی و محلی و حول مواضع موضوعات متعددی مانند دستمزد عادلانه و فضای سالم اشتغال امتیازاتی به دست آورند. از اهداف طرح این تقاضاها دستیابی زنان به استقلال اقتصادی، قانونی کردن تنظیم خانواده و گرفتن حق رأی بود.

جان استوارت میل در سال ۱۸۶۹ در کتاب خود تحت عنوان اسارت زنان خواهان اعطای حق رأی به زنان است ولی هنوز بعد از ۲ قرن زنان آن طور که باید به حقوق خود دست نیافته اند.

بررسی تطبیقی نقش مدنی زنان

در جوامع مختلف

در مورد مشارکت سیاسی زنان، چند کشور را با توجه به منابع موجود مورد مطالعه آماری قرار می دهیم و به مختصری از فعالیت های زنان اشاره می کنیم تا از رهگذر بررسی مقایسه ای بتوانیم عوامل کاهش ظهور و مشارکت زنان را در مسائل اجتماعی و سیاسی دریابیم.

در مورد حرکت های زنان مسلمان در جهت به دست آوردن حق مشارکت سیاسی، بطور اجمال از کشور مصر آغاز می نمایم.

دارد. با توجه به اینکه دولت انقلابی سوریه توجه و آفری به مسائل اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان دارد زنان سوریه فعالیت چشمگیری در مسائل مدنی کشور خود دارند.

ترکیه

در ترکیه با توجه به سابقه تاریخی آن کشور و سیستم حکومتی امپراتوری عثمانی و تعصبات و سنتهای بسیار پیچیده عثمانیها، مشارکت سیاسی زنان در مقایسه با مصر و ایران چندان به چشم نمی خورد. اگر اعمال نفوذی هم از سوی زنان وجود وجود داشته در حاشیه و در حرم سراهای امپراتوری عثمانی بوده است. پس از استقلال و شکل گیری ترکیه جوان، کم کم زنان در جهت احقاق حقوق خود گام برداشتند و در نتیجه در سال ۱۹۳۰ به زنان در سطح محلی و در سال ۱۹۳۴ در سطح ملی، حق رأی داده شد. در سال ۱۹۳۵ هیچ زن به نمایندگی مجلس انتخاب شدند که ۴/۵ درصد نمایندگان مجلس را تشکیل می دادند. در قوانین اساسی سال ۱۹۶۱ و ۱۹۸۲ آزادیهای مدنی و اجتماعی برای زنان و مردان تصریح شد. در سال ۱۹۷۵ به مناسبت سال بین المللی زنان ۲۷ انجمن و نهاد زنان ترکیه خواهان شرایط قانونی مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی شدند.

در سال ۱۹۸۹ نخستین کنوانسیون زنان ترکیه در استانبول به طرفداری از حقوق زنان (در سوراهاای محلی - استانی - حزبی) برگزار گردید. در دهه ۱۹۹۰ خانم تانسو چیلر اولین نخست وزیر زن ترکیه شد. در سال ۱۹۹۵ سیزده زن به نمایندگی مجلس انتخاب شدند که سیری نزولی را نشان می داد (۴/۵ درصد در مقایسه با ۲۱/۴ درصد). شاید دلیل این کاهش، مخالفت و شرکت نکردن زنان طرفدار جنبش های اسلامی در انتخابات لائیک ترکیه باشد.

ایران

در ایران پیشینه واکنش در برابر وضعیت سنتی زنان به اوائل قرن ۲۰ و به ویژه جنبش مشروطیت باز می گردد. پیش از مشروطیت، فرهنگ مردسالارانه جامعه سنتی ایران به زنان مجال فعالیت سیاسی نمی داد. وابستگی به سنتها و آداب و رسوم، محدودیتهایی برای فعالیت زنان به وجود آورده بود. ولی سرانجام، در نتیجه ارتباط با اروپا در اواخر قرن ۱۹ روشنفکران عصر مشروطه از

وضعیت زنان و سلطه مردان انتقاد کردند. زنان ایرانی در برخی جنبشهای اجتماعی مانند جنبشهای تحریم تنباکو و انقلاب مشروطه نقش داشته اند، البته نقش آنان بیشتر تبعی بوده است. با وجود این، نقش انقلاب مشروطیت را در اعطای حق برابر اجتماعی به زنان در مقایسه با مردان نباید از نظر دور داشت. زنان ایرانی در سال ۱۳۴۱ حق رأی به دست آوردند و به مقامات مختلف مانند نمایندگی مجلس، وزارت و غیره دست یافتند.

انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ موضوع مشارکت و حضور زنان را به شکلی گسترده در جامعه مطرح نمود و خواست زنان را دایر بر داشتن جایگاه ویژه ای در مجموعه مسائل اجتماعی ایران بارز ساخت. حضور گسترده زنان در روند جریانات انقلابی گویای این واقعیت بود که توانایی عینی و ذهنی جامعه در فهم و پذیرش مشارکت زنان در عرصه های مختلف افزایش یافته است. پس از انقلاب، مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان مبتنی بر دیدگاههای انقلابی و اسلامی گسترش یافت. مهمترین وجه مشخصه این حرکت جدید، تکاپویی بود که حول مفهوم «الگوی زن مسلمان» شکل گرفت. تجلی این مشارکت را می توان در احقاق حقوق زن، تقویت کیان خانواده و افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی - سیاسی و حمایت از حرکت های زنان در جهان و ایجاد ارتباط با تشکیلات مربوط به زنان در سطح جهان دید.

باید در نظر داشت که جنبشهای سیاسی و اجتماعی زنان ایران پس از دو دهه وارد مرحله جدیدی شده است که واقع نگری و حرکت به سوی نیازهای جامعه از ویژگیهای آن به شمار می آید. در حال حاضر دوزن به عنوان مشاور و معاون ریاست جمهوری به خدمت مشغولند و آمار موجود نشانگر فعالیت روز افزون زنان است.

زن ایرانی در آینه آمار

- زنان در سال ۱۳۷۵ با ۲۹/۵ میلیون نفر، ۴۹/۲ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می دادند.
- پوشش تحصیلی دختران ۱۰-۶ ساله ۹۶/۳ درصد می باشد، این رقم نسبت به سال ۱۳۷۶ رشدی معادلی ۳/۰۴ درصد را نشان می دهد.
- پوشش تحصیلی دختران ۱۷-۱۴ ساله

- ۶۵/۲۷ درصد می‌باشد، این رقم نسبت به سال ۱۳۷۶ رشدی معادل ۴/۷۲ درصد را نشان می‌دهد.
- نسبت باسواد جمعیت زنان ۶ ساله و بیشتر ۷۹ درصد است. این رقم نسبت به سال ۱۳۷۶ رشدی برابر ۳/۷ درصد را نشان می‌دهد.
 - باسواد زنان روستایی ۷۸/۵ درصد است. این رقم نسبت به سال ۱۳۷۶ رشدی معادل ۳/۵ درصد را نشان می‌دهد.
 - درصد پذیرفته‌شدگان دختر در آزمون سراسری سال جاری ۶۰ درصد می‌باشد.
 - ۶۰/۴ درصد از دانش‌آموزان در دوره پیش‌دانشگاهی را دختران تشکیل می‌دهند.
 - در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹، ۴۷/۲ درصد از دانش‌آموزان را دختران تشکیل می‌دادند.
 - در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸، ۴۲ درصد از دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را زنان تشکیل می‌دادند.
 - تا سال ۱۳۷۷ تعداد ۹ نفر از دختران در المپیادهای جهانی شرکت نموده‌اند.
 - امید به زندگی زنان در ایران نسبت به مردان ۲/۱ سال بیشتر است. این شاخص برای زنان ۷۰/۳ سال و برای مردان ۶۸/۲ سال می‌باشد.
 - زنان ۵/۵ درصد از پستهای مدیریت و سرپرستی دستگاههای دولتی را به عهده دارند.
 - تعداد زنان مدیر در دستگاههای دولتی (بدون احتساب آموزش و پرورش و نهادهای انقلابی) از ۹۰۸ نفر در سال ۱۳۷۶ به ۲۸۵۵ نفر در سال ۱۳۷۸ رسیده است که این رقم، رشدی بالغ بر ۳۰۰ درصد (سه برابر) را نشان می‌دهد.
 - تعداد مدیران زن دستگاههای دولتی بالغ بر ۳۰۲۹ نفر است.
 - بیش از ۱۳ درصد از اعضای تعاونها از زنان تشکیل می‌دهند.
 - تعداد زنان جانباز ۵۱۸ نفر است.
 - ۵۵۴۱ نفر از زنان، افتخار همسری جانبازان بالای ۷۰ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.
 - زنان در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۷/۲ درصد (۵۱۲ نفر) از داوطلبین و ۱۱ کرسی نمایندگی (۳/۷ درصد) را به خود اختصاص داده‌اند.
 - تعداد طلاق در سه ماهه اول سال ۱۳۷۹ نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۷۸ معادل،
- ۱۰/۵۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد.
- زنان در اولین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، ۲/۲ درصد (۷۲۷۶ نفر) از داوطلبین و ۷/۷ درصد (۱۱۲۰ کرسی) از عضویت شوراهارا به خود اختصاص داده‌اند.
 - ۴ میلیون نفر از زنان به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند که از این تعداد ۳۰ درصد، در قالب ۲۸ رشته ورزشی دارای فعالیت مستمر هستند.
 - تعداد سازمانهای غیردولتی زنان در سال ۱۳۷۵، ۷۱ سازمان و در سال ۱۳۷۹، ۱۲۰ سازمان برآورد شده است. این سازمانها به مثابه مکانیسمی برای نهادینه نمودن فعالیت‌های زنان می‌باشند.
 - درصد سازمانهای غیردولتی زنان ایران بر اساس حوزه فعالیت در سال ۱۳۷۹:
 - سیاسی: ۱۰ درصد
 - صنفی: ۱۶ درصد
 - خیریه‌ای: ۲۴ درصد
 - زیست محیطی: ۵ درصد
 - حقوقی: ۵ درصد
 - آموزشی: ۶ درصد
 - تحقیقاتی: ۷ درصد
 - بهداشتی: ۳ درصد
 - اجتماعی: ۲۴ درصد
 - در سال ۱۳۷۶، نرخ کارکنان زن مشمول قانون استخدام کشوری ۳۷/۸ درصد بوده است.
- ### ژاپن
- پس از اصلاحات میجی در سال ۱۸۶۸، ژاپن وارد مرحله جدیدی از تاریخ سیاسی خود گردید. اما با توجه به ساختار سنتی ژاپن، زنان ژاپنی برای دست یافتن به آزادی مدنی راهی بس طولانی و پرفراز و نشیب را طی نمودند.
- از سال ۱۹۱۱ با مبارزات و فعالیت‌های خانم راجیو هیراتسو کاو تأسیس جامعه زنان ادیب گامی مثبت در جهت پیشرفت جامعه زنان ژاپنی برداشته شد. این جامعه خواستار رهایی زنان از قیودی شد که قرنهای متمادی به دست و پای آنان بسته شده بود. با مطالعه تاریخ فعالیت‌های زنان ژاپنی اگر مبدأ آن را سال ۱۹۱۱ میلادی در نظر بگیریم می‌بینیم این فعالیتها و مبارزات بطور یکنواخت و مستمر پیش نرفته بلکه با توجه به موقعیتهای تاریخی، فواصل و وقفه‌هایی در آن به وجود آمده است. هرچند باید قبول داشته باشیم که زنان همیشه در زمانهای بحرانی مانند اشغال نظامی و غیره به عنوان

نیروهای فعال و مؤثر نقش حساس داشته‌اند ولی متأسفانه در اذهان جامعه همیشه این فعالیتها در حاشیه مطرح بوده است. به هر حال چنانچه یادآور شدیم از سال ۱۹۱۱ خانم راجیو هیراتسو کا با تأسیس جامعه زنان ادیب و همچنین انتشار مجله سی تو (زنان ادیب) گامی مثبت در جهت اهداف خود برداشت. از سال ۱۹۲۰ خانمها هیراتسو کا، فوسا، ایچی کاوا و مومئو اکو با همکاری دیگر طرفداران خود، انجمن نوین زنان را که سازمانی سیاسی بود تشکیل دادند. هدف آنان دستیابی به رشد و دموکراسی و احقاق حق رأی همگانی بود، در نتیجه در سال ۱۹۲۲ زنان ژاپن حق گردهم آیی سیاسی را به دست آوردند ولی همچنان جامعه سنتی ژاپن حتی به رغم حمایت‌های احزاب سوسیالیست، با حق رأی زنان مخالفت می کرد. در سال ۱۹۴۵ پس از جنگ جهانی دوم در ژاپن نیز مانند بسیاری از کشورهای اروپایی به زنان حق رأی داده شد. در ۱۰ آوریل ۱۹۴۶ زنان ژاپنی برای اولین بار در تاریخ کشور خود از حق رأی استفاده کردند. در بیست و دومین انتخابات مجلس نمایندگان ژاپن ۳۹ زن انتخاب شدند و ۶۷ درصد زنان رأی دادند.

اولین زن وزیر در ژاپن خانم ماسانا کایاما به عنوان وزیر بهداشت و رفاه برگزیده و در سال ۱۹۶۲ يك زن به عنوان وزیر کشور انتخاب شد. در سال ۱۹۶۸ در ژاپن تعداد رأی دهندگان زن واجد شرایط از مردان بیشتر بود و در سال ۱۹۸۰ با اینکه زنان در انتخابات شرکت چشمگیرتری داشتند تنها ۹ نفر از اعضای مجلس نمایندگان (۱/۸ درصد کل اعضا) زن بودند و در مجلس مشاوران نیز ۱۷ نفر (۶/۸ درصد) زن حضور داشتند. در مجموع ۳/۸ درصد اعضای دو مجلس را زنان تشکیل می دادند که خود جای تأمل داشت. خانم مانانه کویو تا یکی از زنان فعال ژاپن است که ریاست امور زنان ژاپن را عهده دار بوده است. وی فعالیت‌های چشمگیری در سازمان ملل داشت به طوری که به عنوان مدیر کمیته این سازمان برای ترقی مقام زن انتخاب و سپس در سال ۱۹۸۳ وارد مجلس مشاوران شد.

در سال ۱۹۸۶ دوباره شاهد فعالیت‌های گسترده بانوان ژاپنی هستیم. پس از ۲۲ سال که هیچ زنی به عنوان وزیر انتخاب نشده بود، يك زن به وزارت برگزیده شد. در سال ۱۹۸۶ خانم ریو کواکاماتسو به عنوان اولین سفیر ژاپن در اروگوئه انتخاب شد.

در سال ۱۹۸۹ اولین رئیس هیأت دولت زن در ژاپن انتخاب گردید. خانم مایومی مورینا عضو مجلس مشاوران به عنوان وزیر آموزش و تها وزیر زن کابینه انتخاب شد و در سال ۱۹۹۱، خانم سادا کو اوکاتا به سمت کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد انتخاب گردید. در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۲ يك زن ژاپنی به عنوان وزیر امور زنان انتخاب شد. در سال ۱۹۹۳، سه زن در مقام وزیر در کابینه ژاپن حضور داشتند. در ژاپن يك دادگاه عالی مربوط به زنان وجود دارد. در سال ۱۹۹۳ خانم هیساکوتا کاهاشی از طرف دولت، قاضی دیوان عالی کشور شد. و در همین سال برای اولین بار يك زن (خانم تاکا تودوی از حزب سوسیال دموکرات) به سمت سخنگوی مجلس نمایندگان انتخاب گردید. در ماه مارس ۱۹۹۴ تعداد بانوان انتخاب شده از این قرار بود: ۱۴ نفر در مجلس نمایندگان (۲/۸ درصد) و ۳۸ نفر در مجلس مشاوران (۱/۱۵ درصد) که در مجموع ۵۲ نفر می شدند. در میان قضات دادگاههای بدوی، دوزن به عنوان رئیس جلسه حضور دارند. تعداد وکلای زن در ژاپن در سال ۱۹۹۵، ۹۹۶ نفر بود ولی تنها ۹ درصد یعنی، ۸۳ نفر از تعداد ۹۲۵۵ نفر رئیس مکانهای عمومی یا بالاتر را زنان تشکیل می دادند. در ماه مارس سال ۱۹۹۶، ۴/۱ درصد از ۲۱۲۰ نفر دادستان‌های عمومی و ۸/۹ درصد از ۲۸۷۹ نفر قضات ژاپن را زنان تشکیل می دادند. در ژاپن سازمانهای غیر دولتی مربوط به زنان بسیار است. این سازمانها از گروههای اجتماعی-مذهبی و کارهای مربوط به اشتغال گرفته تا سازمانهای بین المللی همچنین گروههای وابسته به اتحادیه‌های کارگری را شامل می شود. حامیان زنان را در انتخابات، جنبشهای صلح طلبانه، جنبشهای سیاسی و مبارزان علیه فساد تشکیل می دادند.

دولت ژاپن از سال ۲۰۰۰ برنامه‌هایی در جهت رفاه زنان ژاپنی و افزایش مشارکت مدنی و سیاسی آنها تهیه نموده است.

آمریکا

قانون اساسی آمریکا که در ۱۲ سپتامبر ۱۷۸۸ به تصویب رسید در مبحث رأی دادن اشاره‌ای به جنسیت نکرده است ولی عملاً در سال ۱۹۲۰ پس از جنگ جهانی اول بود که زنان آمریکایی توانستند در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند. پس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی و ایجاد

۸- مرکز رهبری جهانی زنان؛ انجمن ائتلاف ضد قاچاق زنان که هدف آن مبارزه با خرید و فروش و روسپیگری زنان و همچنین جلوگیری از سوءاستفاده جنسی از زنان است؛ صندوق جهانی زنان که در جهت کمک‌رسانی به آنان فعالیت می‌کند؛

۹- اتحادیه کلوبهای ملی زنان شاغل و تاجر رنگین پوست؛ شورای ملی زنان رنگین پوست؛ مرکز ملی کنفرانس زنان که فعالیت اصلی آنها در زمینه ارتباطات است؛
۱۰- شورای ملی زنان آمریکا که به موضوعات خاص زنان آمریکا می‌پردازد.

استرالیا

در قانون اساسی استرالیا برای زنان موارد خاصی در نظر گرفته نشده است و زن و مرد برابر به شمار آمده‌اند. از سال ۱۹۰۲ طبق قانون اساسی این کشور به زنان حق رأی دادن و حق انتخاب شدن برای حکومت فدرال داده شد. زنان استرالیا اولین زنان جهان می‌باشند که حق مشارکت سیاسی را در سطح وسیع به دست آوردند. در حالی که در بعضی از استانها از چهل سال پیش از سال ۱۸۶۰ به مردان حق رأی داده بودند در استرالیای غربی زنان در سال ۱۹۲۰ حق ورود به پارلمان محلی را به دست آوردند و اولین زن در سال ۱۹۲۱ در این ناحیه نماینده پارلمان شد. در سال ۱۹۴۳ اولین زنان به نام‌های دیم ایندلتیز به مجلس سنا و دروتی تانگنی به مجلس نمایندگان راه یافتند.

استرالیا دارای نظام سیاسی حزبی است ولی تا امروز زنان جناح سیاسی خاصی برای خود تشکیل نداده‌اند. زنان استرالیا از دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مشارکت جدی را در امور سیاسی آغاز نموده‌اند. اما بطور کلی احزاب عمده علاقه چندانی به معرفی زنان نداشته‌اند. تا قبل از سال ۱۹۳۹ احزاب استرالیا تنها ۳ نامزد زن را برای پستهای حکومت فدرال معرفی نمودند ولی زنان در هیچ مورد موقعیتی به دست نیاوردند. بالاخره زنان استرالیایی در سال ۱۹۴۲ سازمان زنان کانبرا را تأسیس کردند و بالاخره در سال ۱۹۴۳ نوزده زن به مجلس راه یافتند.

در اوایل جنگ جهانی دوم، ۹ زن به نمایندگی پارلمانهای استانی استرالیا انتخاب شدند ولی در سطح فدرال حتی یک زن هم انتخاب نشد. در سال ۱۹۴۳ دوزن وارد پارلمانهای فدرال شدند. (تعداد

شرایط خاص در کل جهان بویژه در آمریکا، زنان بتدریج توانستند وارد اکثر نهادهای سیاسی شوند به نحوی که امروزه پستهای بسیار مهمی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی را احراز نموده‌اند. در آمریکا با وجود این که ۵۲ درصد از رأی دهندگان زن می‌باشند ولی زنان در صد کمی از کرسیهای نمایندگی و همچنین کابینه وزارت را دارا هستند. طبق آمار، زنان ۱۰ درصد کل کنگره و ۱۵ درصد از مقامهای وزارت را دارا می‌باشند که با مقایسه با بعضی از کشورهای اروپایی سطح پایین تری را نشان می‌دهد. طبق آمار سال ۱۹۹۵، ۳۰/۸ درصد از کارکنان دولت ایالات متحده را زنان تشکیل می‌دهند.

در سطح وزارت، ۲۱/۸ درصد پست‌ها را زنان اشغال نموده‌اند. و در سطح پایین تر از وزارت ۳۰/۷ درصد مناصب را زنان در اختیار دارند. در سطح شهرداری‌ها ۱۶ درصد شهرداران زن هستند. در سمتهای معاونت و مشاورین شهرداریها نیز زنان ۲۱ درصد صاحب منصبان را تشکیل می‌دهند. در سازمانهای غیردولتی زنان آمریکایی فعالیت گسترده‌ای دارند و حوزه‌های فعالیت آنها جنبه‌های بین‌المللی پیدا نموده است که اسامی برخی از آنها به شرح زیر است:

۱- مرکز تریبون بین‌المللی زنان در سال ۱۹۷۶، در نیویورک تشکیل شد. این مرکز در زمینه طر‌حهایی برای بهبود وضعیت زنان در سراسر جهان فعالیت می‌کند و مسائل مورد توجه آن حقوق زنان، محیط زیست، منابع انسانی و توسعه فرهنگی است؛

۲- انجمن آمریکایی زنان دانشگاهی که در زمینه‌های منابع انسانی، توسعه فرهنگی - اجتماعی، بهداشت، تغذیه و آموزش فعالیت دارد؛

۳- انجمن بین‌المللی زنان پلیس که علاوه بر فعالیت در مسائل توسعه فرهنگی - اجتماعی در زمینه مواد مخدر و کودکان نیز فعالیت دارد؛

۴- انجمن بین‌المللی قضات زن که در زمینه حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی فعالیت دارد؛

۵- ائتلاف بین‌المللی بهداشت زنان که اعضای آن از سراسر جهان می‌باشند و به وضعیت بهداشت زنان و بهبود وضع آنان در سطح جهان می‌پردازد؛

۶- انجمن دوستی زنان؛

۷- انجمن بین‌المللی زنان ارمنی - زنان روانشناس - زنان فعال در علوم و تحقیقات و ...

کل زنان ۱۱ نفر بود که ۶ نفر به دلیل وابستگی به همسران و پدران خود موفق شدند وارد مجالس مقننه شوند.

از سال ۱۹۷۴، اتحادیه فعالیت زنان تأسیس گردید که هدف آن آزاد کردن معتدل زنان و فعالیت برای رفاه بیشتر زنان بود. در دهه ۱۹۹۰ شاهد تنوع و پراکندگی بیشتر جنبش زنان استرالیایی می‌باشیم. در بدو امر زنان کوشیدند تا بلوک‌های سیاسی تشکیل دهند. تعدادی زن به عنوان نماینده وارد مجلس شدند تا مگر بتوانند از حقوق همجنسان خود پشتیبانی نمایند. برای نمونه، خانم ویدا گلدشتاین بین سالهای ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۷ پنج بار داوطلب نمایندگی مجلس شد. وی رئیس انجمن سیاسی زنان و نامزد انتخاباتی آن انجمن بود و از حمایت‌های این انجمن بهره می‌برد. او اعتقاد داشت نهضت زنان و نهضت کارگری بطور طبیعی مرتبط و متحد هستند. او رازنی رادیکال با گرایشهای سوسیالیستی می‌شناختند.

حزب کارگر حزبی مردانه شناخته می‌شد و فقط ۱/۳ درصد اعضای آن رازنان تشکیل می‌دادند و در چند شعبه استانی آن، سازمان زنان کارگر به وجود آمده بود.

زنان استرالیا در چند دوره فعالیت سیاسی چشمگیری داشتند. اولین دوره آغاز قرن بیستم برای ورود به صحنه سیاست بود و دومین موج فعالیت سیاسی زنان در دهه ۱۹۶۰ برخاست. اقدام اولیه برای به دست آوردن حق رأی، تحکیم خانواده، و گسترش اصول اخلاقی بود. اهداف دیگر شامل دستمزد برابر، بالا بردن سن ازدواج، بهبود وضع محیط کار برای زنان بود. زنان فمینیست و مبارزان اولیه نهضت آزادی زنان قصد برابری زنان را نداشتند بلکه در جهت بهبود موقعیتها و امتیازات زنان مبارزه می‌کردند.

موج دوم که تا امروز ادامه دارد چه از نظر سازمان، تشکیلات و تاکتیکهای سیاسی و چه از نظر ایدئولوژی و تئوری تفاوت‌های بسیاری با موج اول دارد.

در آغاز موج دوم، اکثریت زنان دارای تفکر رادیکالی بودند و به فعالیتهای غیر سلسله‌مراتبی می‌پرداختند. گروههای زنان به صورت پراکنده و بدون سازمان منظم بودند و به کارهایی از قبیل تشکیل گروههای کوچک، آگاه‌سازی اذهان عمومی، شرکت در تظاهرات و راه‌پیمایی‌ها و ایجاد مراکز بهداشتی و حمایت و راهنمایی برای زنان

می‌پرداختند. تشکیلات کنفرانس ملی کارگری زنان در سال ۱۹۸۱ به وجود آمد.

در حزب دموکراتهای لیبرال، زنان نیروی مهمی می‌باشند و درصد بالایی از اعضا را تشکیل می‌دهند. رهبر این حزب جانین هنتر، اولین زن رهبر پارلمان از یک حزب سیاسی در استرالیا می‌باشد. در سال ۱۹۸۱ جناح آزادیخواه زنان لیبرال استان ویکتوریا تأسیس شد که هدف آن کمک به زنان در انتخابات و راهنمایی آنان بود.

در سال ۱۹۸۳ حدود ۵۰ درصد زنان و ۵۲ درصد مردان به حزب لیبرال رأی دادند.

در دهه ۱۹۸۰ تعداد زنان در پارلمان فدرال تغییر کرد. در سال ۱۹۸۰، ۹ زن نماینده در مجلس بود ولی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ نسبت آنان از ۲/۵ درصد به ۵ درصد افزایش یافت. در انتخابات مجالس حکومت فدرال در سال ۱۹۸۴، از ۵۸ زن نامزد، ۲۲ نفر موفق شدند به مجالس راه یابند. در این سال زنان ۱۱/۲ درصد کل اعضای قوه مقننه را تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۸۷، ۱۲۲ زن نامزد انتخاب شدند و ۲۶ نفر شان موفقیت به دست آوردند و ۱۱/۶ درصد از ۲۲۴ کرسی‌های قوه مقننه را اشغال کردند.

نحوه انتخاب اعضای مجلس نمایندگان استرالیا به صورت ناحیه‌ای است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۰، ۲۰ درصد استاندارها زن بودند. در ۱۹۹۵، زنان استرالیای ۱۳ درصد پستهای وزارت و ۲۳ درصد پستهای معاونت وزارت را در دست داشتند.

فیلیپین

بیداری زنان فیلیپین پس از جنگ جهانی اول آغاز شد. این بیداری تحت تأثیر دو جریان مهم تاریخی پا گرفت:

جریان نخست، تأثیر مستقیم دولت ایالات متحده آمریکا بود که جانشین اسپانیا شد. جریان دوم تشکیل اولین حکومت مبتنی بر ایدئولوژی مارکسیسم و سوسیالیسم و آغاز مبارزات طبقات محروم و رنج کشیده و گرایشهای تند آنها در سرتاسر جهان به سوی سوسیالیسم جهانی بود. این دو جریان باعث شد که زنان فیلیپین در مسیر مبارزات سیاسی و اجتماعی قرار گیرند.

گروه اول زنان فعال فیلیپینی تعدادی از زنان برجسته و از خانواده‌های تحصیل کرده بودند که با آشنایی که با قوانین به اجرا گذاشته شده به وسیله

ایالات متحده داشتند و به تقلید از زنان نیکو کار آمریکایی که رهبری زنان را در زمینه فعالیت‌های رفاهی و کمک‌رسانی به طبقات نیازمند جامعه عهده‌دار بودند با هدف خدمات‌رسانی رفاهی و کمک‌رسانی به محلات و شهرها فعالیت خود را برای ارائه خدمات انسانی به قشر زنان خصوصاً زنان طبقات کم درآمد آغاز نمودند.

اما گروه دوم، زنانی عادی بودند که با اهداف ایدئولوژیک و سیاسی به فعالیت پرداختند. حرکت اخیر صرفنظر از این که جنبه صرفاً سیاسی داشت برای زنان جامعه فیلیپین سنت شکنی به شمار می‌رفت و هدف نهایی آن‌ها برای زن از قیود و سنتها بود و مسئله آزادی و برابری را برای زنان مطرح می‌ساخت.

با آغاز جنگ جهانی دوم جهت‌گیری حرکت و مبارزات زنان فیلیپینی تغییر یافت. در این دوره زنان به نهضت‌های زیرزمینی برضد دشمن پیوستند و هدف اصلی آنان ملت‌گرایی و بقای کشور و موجودیت آن بود. بدین ترتیب زنان بطور کامل در مرکز مبارزات سیاسی ایدئولوژیک قرار گرفتند و همین موجب تکامل فکری و اعتلای سطح فرهنگی و بینش سیاسی و اجتماعی آنان شد.

مشارکت رسمی زنان در مسائل سیاسی در فیلیپین از سال ۱۹۷۳ میلادی و با شرکت در انتخابات آغاز شد. گرچه تعداد زنان شرکت‌کننده کم بود ولی به هر حال این اولین حرکت سیاسی برای زنان اهمیت فوق‌العاده داشت. مشارکت زنان فیلیپین در امور سیاسی به پنج صورت مشاهده می‌شود:

- ۱- مشارکت در رأی دادن؛
- ۲- تبلیغ برای داوطلبان انتخاباتی؛
- ۳- نامزد شدن برای انتخابات؛
- ۴- پذیرفتن مسئولیت در حکومت یا دستگاه حکومتی؛
- ۵- سازمان دادن زنان در راستای کسب قدرت سیاسی بیشتر.

کمیسیون انتخابات فیلیپین آماری را در مورد فعالیت زنان بدین قرار منتشر ساخته است:

در انتخابات سال ۱۹۸۸ تعداد رأی‌دهندگان زن ۷۹/۲۹ درصد در برابر ۶۸/۶۴ درصد مرد بود. در دوره نسبتاً طولانی ریاست جمهوری فردیناند مارکوس زنان از نظر سیاسی پیشرفت‌های قابل توجهی داشتند و در هر کابینه دستکم یک وزیر زن وجود داشت. خصوصاً در وزارت امور

اجتماعی زنان فعالیت چشمگیری داشتند و این مسئله به سنت‌های موجود باز می‌گردد. اولین رئیس‌جمهوری زن در فیلیپین خانم کورازن آکینو بود که انتخاب او در حقیقت نماینده موفقیت بزرگ زنان فیلیپین در کسب حق برابری کامل سیاسی با مردان به‌شمار می‌آمد. در این دوره ۱۱ زن وارد کابینه شدند، ۳ نفر پست وزارت داشتند و بقیه در سمت معاونت انجام وظیفه می‌نمودند. و در اواخر حکومت خانم آکینو یک زن به‌عنوان وزیر، دو زن در سمت قضات عالی‌رتبه دیوان عالی و سه زن در رأس سه اداره قانون اساسی قرار گرفتند. تعدادی نیز در سمت‌هایی از قبیل استاندار، فرماندار، شهردار، و عضو انجمن‌های مختلف فعالیت داشتند. جمعاً تعداد ۲۲ نفر از زنان نیز به مجلس نمایندگان و مجلس سنای فیلیپین راه یافتند. سازمان‌های غیردولتی زنان و زنان دانشگاهی عضو این انجمنها تلاش بسیاری برای روشن ساختن اذهان زنان فیلیپینی نمودند. در حال حاضر حدود ۳۰۰ سازمان خاص زنان در فیلیپین وجود دارد که در زمینه‌های بسیار مهم فعالیت می‌کنند از جمله:

- ۱- مسئله پایگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در فیلیپین؛
- ۲- منع تولید و محکوم ساختن سلاح‌های هسته‌ای؛
- ۳- مسئله قانون اصلاح روش‌های کشاورزی به نفع زنان؛
- ۴- رسیدگی به مسائل منافع ملی کشور؛
- ۵- استراتژی‌هایی از نظر جنسیت و منافع زنان؛
- ۶- کنفدراسیون سازمان‌های زنان در جهت توسعه سیاسی و اقتصادی؛
- ۷- مجلس یا انجمن غیردولتی زنان فیلیپین؛
- ۸- منافع انسانی و توسعه اجتماعی و فرهنگی؛
- ۹- محیط زیست؛
- ۱۰- حقوق بشر؛
- ۱۱- شورای مرکزی نهضت زنان فیلیپین؛
- ۱۲- توسعه سیاسی و همکاری اقتصادی بین‌المللی؛
- ۱۳- کودکان و نوجوانان.

آفریقای جنوبی

با توجه به نظام آپارتاید که سالیان متمادی در آفریقای جنوبی حاکم بود سخن گفتن از تبعیض سیاسی بر حسب جنسیت ساده نیست ولی مبارزات سیاسی برای برقراری نظامی عادلانه طبعاً بر

پارلمان دارند. باید توجه داشت سهم زنان تروژی در مشارکت سیاسی در مقایسه با کشورهای دیگر جهان نسبت بالایی را نشان می‌دهد. بطور نمونه زنان تروژی ۳۷ درصد مقامهای وزارت را در اختیار دارند. طبق آمار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳، ۵۳/۸ درصد از اعضای هیأت نمایندگی تروژ را در سازمان ملل زنان تشکیل می‌دادند. ۲۳ درصد از شهرداران این کشور از زنان هستند. ۲۸ درصد از مشاوران شهرداران و فرمانداران را زنان تشکیل می‌دهند. ۴۴/۱ درصد از شاغلین بخش دولتی زن هستند. ۴۵/۷ درصد از زنان مقامهای پایین تر از وزارت را دارا می‌باشند.

بطور کلی زنان تروژی از نظر مشارکت سیاسی و در مقایسه با سایر کشورهای جهان در حد بسیار بالایی قرار دارند و برنامه‌ریزی مشارکت سیاسی در این کشور می‌تواند به‌عنوان الگویی موفق مورد استفاده کشورهای در حال توسعه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

با بررسی میزان مشارکت زنان در امور سیاسی در چند کشور که به‌عنوان نمونه ارائه شد روشن است که برابری سیاسی زنان با مردان در جوامع پیشتر جنبه نوشتاری دارد تا عملی و دشواریهای زیادی در این زمینه به چشم می‌خورد که ریشه در فرهنگ جوامع دارد. بطور کلی می‌توان گفت نقش زنان در امور سیاسی کشورها چندان پررنگ به نظر نمی‌رسد. فعالیت‌های زنان در سراسر تاریخ سیاسی-اجتماعی کشورهای مختلف همواره وجود داشته است ولی متأسفانه زمامداران بهایی برای آن قائل نشده‌اند. در این مورد می‌توان دلایل گوناگونی را برشمرد:

۱- عوامل فرهنگی: یکی از عوامل کم‌رنگ بودن مشارکت زنان سنت‌ها و آداب مردسالارانه‌ای است که کم و بیش در اغلب جوامع دیده می‌شود و طبعاً برای فعالیت زنان در امور سیاسی زمینه‌ای فراهم نمی‌سازد. طبق سنت‌های رایج در بعضی از کشورها اصولاً فعالیت زنان در خارج از حریم خانواده مقبول تلقی نمی‌شود. همچنین روشن نبودن سیاست دولت‌ها و نقش آنها در توسعه انسانی-فرهنگی در جوامع مذکور از دیگر موانع به‌شمار می‌رود.

۲- دلایل اقتصادی: باید در نظر داشت که در اکثر جوامع نقش زنان در امور تولیدی به‌هیچ‌وجه

فرهنگ سیاسی اثرگذار است و امروزه زنان رنگین‌پوست آفریقای جنوبی با درک قدرت سیاسی خویش و قابلیت تأثیرگذاری بر نظام سیاسی قدم در راه گذاشته‌اند تا هر چه بیشتر در تعیین سرنوشت آینده خود سهیم باشند. بعد از فروپاشی نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی زنان نقش قابل توجهی دارند و طبق آمار ۵۴ درصد رأی‌دهندگان در انتخابات از زنان می‌باشند. در آفریقای جنوبی ۸۰ گروه مختلف برای گام نهادن در مبارزات سیاسی و اجتماعی خواهان از میان رفتن تبعیضات جنسی در سطح جامعه می‌باشند.

البته شایان ذکر است که زنان سفیدپوست آفریقای جنوبی از سال ۱۹۳۰ حق رأی داشتند ولی به رنگین‌پوستان تنها از سال ۱۹۷۹ حق رأی داده شد. با وجود اینکه ۵۴ درصد از رأی‌دهندگان آفریقای جنوبی را زنان تشکیل می‌دهند ولی زنان تنها ۲۴ درصد از کرسی‌های پارلمانی را به خود اختصاص داده‌اند. گذشته از این، ۶ درصد شهرداران زن می‌باشند و ۸ درصد زنان در وزارت‌خانه‌ها به کار مشغولند.

البته در مقایسه با سایر کشورهای جهان و با توجه به نوپا بودن آزادی سیاسی برای همه مردم آن کشور خصوصاً زنان این آمار جالب توجه است.

نروژ

مشارکت سیاسی زنان در نروژ از اوایل قرن بیستم آغاز شد. در قرون گذشته نروژ تحت استیلای قدرتهای شمال اروپا مانند دانمارک و سوئد بود و استقلال خود را در پی مبارزات طولانی در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۰۵ به دست آورد. در سال ۱۹۱۳ حقوق سیاسی زنان نروژی به رسمیت شناخته شد تا بطور مستقیم در انتخابات شرکت کنند و در سرنوشت سیاسی خود سهیم شوند. از آن پس زنان نروژی روز به روز نقش خود را در ساختارهای سیاسی افزایش دادند و جایگاه قابل توجهی در نهادهای اجرایی نروژ به دست آوردند به نحوی که نسبت اعضای زن پارلمان نروژ از ۹ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۹ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافت که این مسئله روند بسیار چشمگیر رشد فعالیت زنان در نروژ را نشان می‌دهد.

زنان نروژی بطور معمول ۵۱ درصد از رأی‌دهندگان این کشور را تشکیل می‌دهند. ولی مانند دیگر کشورهای جهان سهم کمتری در

کمتر از مردان نیست. خصوصاً در جوامعی که پایه‌های اقتصاد آنها بر مبنای کشاورزی و دامداری است تقریباً زنان دارای سه نقش در خانواده هستند: مدیریت خانواده، همراهی همسران خود و کار به صورت مزدبگیر. طبعاً اشتغال زنان برای ارتقاء سطح درآمد خانواده مستلزم صرف وقت زیاد است و در نتیجه زنان نمی‌توانند در دیگر زمینه‌های اجتماعی فعالیت کنند.

۳- دلایل آموزشی: طبق آمار در اکثر کشورهای دنیا درصد کم سواد زنان نسبت به مردان بیشتر است و این خود عاملی است که میزان آگاهی آنها را از جریان‌های سیاسی کشور خود و جهان کاهش می‌دهد. طبیعی است که فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی این قبیل زنان بسیار محدود است. همچنین جنبش‌ها و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در بعضی از کشورها با توجه به فرهنگ ملی و بومی و دینی آنها با جنبش‌های اصلاح طلب و دموکراتیک موجود در جوامع مدرن همخوانی ندارد که همین مسئله موجب عدم شکل‌گیری جنبش‌ها و انجمن‌های زنان می‌شود.

در ضمن باید یادآور شد که خود زنان نیز دارای رفتار سیاسی ویژه‌ای هستند که تأمل برانگیز است در این رابطه می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

۱- نگرش زنان نسبت به سیاست چندان خوش‌بینانه نیست و آن را حرفه‌ای مردانه می‌دانند.

۲- مشارکت زنان در احزاب سیاسی به مراتب کمتر از مردان است که خود این مسئله می‌تواند نتیجه بی‌توجهی و آگاهی کم آنان از مسائل سیاسی باشد.

۳- موفقیت‌های زنانی که در عرصه سیاست ظهور می‌یابند بیشتر مروه‌ن مردان سیاسی است که در کنار آنان بوده‌اند، مانند: خانم ایندیرا گاندی، خانم ایزابل پرون و...

۴- سنت‌گرایی و محافظه‌کاری زنان.

۵- زنان با توجه به ماهیت جسمانی و روحی خود اغلب از درگیر شدن در کارهایی که آمیخته به اضطراب و خشونت و... است دوری می‌جویند.

به هر حال زنان جزء لاینفک و غیرقابل چشم‌پوشی هر جامعه‌ای هستند و مشکل می‌تواند نیمی از نیروی کار اجتماعی و فعال هر جامعه‌ای را نادیده گرفت. بنابراین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دولت‌ها دستکم باید در جهت محورهای زیر باشد:

۱- آگاه‌سازی مردم در مورد برابری حقوق زن

و مرد؛

۲- گسترش حق انتخاب در زندگی اجتماعی و سیاسی؛

۳- برابری میزان مشارکت زن و مرد در جامعه در سطوح مختلف؛

۴- تأمین رفاه نسبی برای زنان؛

۵- فراهم نمودن امکانات آموزشی برای سطوح مختلف زنان.

در این صورت زمینه‌های لازم برای مشارکت همه‌جانبه زنان فراهم خواهد شد.

منابع انگلیسی

1. Les Femmes Dansles Parlements 1945-1995, **Etude Statistique Mondiale**, Série "Rapports et Documents", N.23, Union Interparlementaire, GENÈVE, 1995.
2. Hommes et Femmes en Politique La démocratie in A Chellée, **Etude Comparatille mondiale**, Série "Rapports et Documents" N.28, Union Interparlementaire, EENEVE, 1997.
3. National Report on Women's Status in the Islamic Republic of Iran.
4. **Basic Social Services for All, 1997** United Nations. Acc Task Force on Basic Social Services for All 1997.

منابع فارسی

- پیرویان، و. موفر، خ.، شاهسوند بغدادی، پ. سیمای زن در جهان - استرالیا، مرکز امور مشارکت زنان، ریاست جمهوری، تهران، برگ زیتون، ۱۳۷۷.
- رضائی سیوشانی، ص. سیمای زن در جهان - سوریه، مرکز امور مشارکت زنان، ریاست جمهوری، تهران، برگ زیتون، چاپ اول پاییز ۱۳۷۷.
- روشندل، ج. قلی‌پور، ر.، شاهسوند بغدادی، پ. سیمای زن در جهان - آمریکا، مرکز امور مشارکت زنان، ریاست جمهوری، تهران، برگ زیتون، پاییز ۱۳۷۷.
- شادلو، ش. سیمای زن در جهان - مصر، مرکز امور مشارکت زنان، ریاست جمهوری، تهران، برگ زیتون، ۱۳۷۷.
- رضائی سیوشانی، ص. سیمای زن در جهان - ترکیه، مرکز امور مشارکت زنان، ریاست جمهوری، تهران، برگ زیتون، ۱۳۷۷.
- شاهسوند بغدادی، پ. پیرویان، و. موفر، خ. سیمای زن در جهان - فیلیپین، ناشر دفتر امور زنان ریاست جمهوری، ۱۳۷۶.
- روشندل، ج.، شاهسوند بغدادی، پ. سیمای زن در جهان - ژاپن، مرکز امور مشارکت زنان، ریاست جمهوری، ناشر برگ زیتون.
- روشندل، ج. سیمای زن در جهان - آفریقای جنوبی، مرکز امور مشارکت زنان، ریاست جمهوری، ناشر برگ زیتون.
- شاهسوند بغدادی، پ. سیمای زن در جهان - آفریقای جنوبی، مرکز امور مشارکت زنان، ریاست جمهوری.